

شناخت و تبیین تأثیر ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی بر رفتار مالیاتی مؤدیان با در نظر گرفتن نقش اعتماد به نفس و مادی‌گرایی

نوع مقاله: پژوهشی

مرتضی غفاری^۱

حمید احمدزاده^{۲*}

سمانه رفاهی‌بخش^۳

بهمن بنی‌مهد^۴

تاریخ پذیرش:

تاریخ دریافت:

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناخت و تبیین تأثیر ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی بر رفتار مالیاتی مؤدیان، با در نظر گرفتن نقش اعتماد به نفس و مادی‌گرایی، انجام شده است. در سال‌های اخیر، رفتار مالیاتی مؤدیان تنها تحت تأثیر عوامل اقتصادی و قانونی تبیین نمی‌شود، بلکه متغیرهای روان‌شناختی و ارزشی نیز در شکل‌دهی به نگرش و عملکرد مالیاتی افراد نقش مهمی دارند. ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی، که بر تأمین سود شخصی، موفقیت فردی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی تأکید دارند، می‌توانند بر میزان تمایل مؤدیان به تمکین یا عدم تمکین مالیاتی اثرگذار باشند. در این میان، مادی‌گرایی به‌عنوان گرایش به دارایی‌های مادی و ثروت‌اندوزی، و اعتماد به نفس به‌عنوان ارزیابی فرد از توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش، می‌توانند نقش واسطه‌ای یا تعدیل‌کننده در این رابطه ایفا کنند. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر رویکرد کمی است. داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد و محقق‌ساخته جمع‌آوری شده و با استفاده از روش‌های آماری نظیر تحلیل همبستگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های فرضی پژوهش نشان می‌دهد که ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی تأثیر مثبت و معناداری بر گرایش به رفتارهای مالیاتی ناسازگار دارند. همچنین، مادی‌گرایی این رابطه را تقویت کرده و اعتماد به نفس، بسته به نوع جهت‌گیری فرد، می‌تواند نقش دوگانه‌ای در تشدید یا تضعیف این اثر داشته باشد. در مجموع، نتایج حاکی از آن است که برای بهبود رفتار مالیاتی مؤدیان، توجه به ابعاد روان‌شناختی، ارزشی و فرهنگی در کنار سیاست‌های نظارتی و قانونی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های فردی، رفتار مالیاتی، مادی‌گرایی، اعتماد به نفس، مدل‌سازی معادلات ساختاری

طبقه‌بندی JEL: H26, D91, Z13, M41

۱ گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران 39911521301541@Edu.ac.ir

۲ گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول).

h.ahmadzadeh2@iau.ac.ir

samaneh.refahi@iau.ac.ir

Banimahd@iau.ir

۳ گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۴ گروه حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

با وجود گسترش مطالعات مرتبط با رفتار مالیاتی، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً بر متغیرهای اقتصادی، قانونی و نهادی متمرکز بوده‌اند و کمتر به بنیان‌های روان‌شناختی و ارزشی رفتار مؤدیان توجه شده است. در حالی‌که تصمیم‌گیری مالیاتی افراد صرفاً یک رفتار اقتصادی مبتنی بر محاسبه هزینه و منفعت نیست، بلکه متأثر از نظام ارزشی، نگرش‌های ذهنی، ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه‌های درونی افراد نیز می‌باشد (بورنز^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). از این‌رو، تحلیل رفتار مالیاتی بدون توجه به متغیرهای روان‌شناختی و ارزشی، نمی‌تواند تبیین جامعی از علل تمایل مؤدیان به اجتناب یا تمکین مالیاتی ارائه نماید. در سال‌های اخیر، پژوهشگران علوم رفتاری و اقتصاد رفتاری تأکید نموده‌اند که ارزش‌های فردی و انگیزه‌های درونی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی و اجتماعی افراد دارند و می‌توانند بر نحوه ادراک افراد از عدالت مالیاتی، مسئولیت اجتماعی و مشارکت اقتصادی اثرگذار باشند (تولیاو^۲، ۲۰۲۶).

درباره رفتار مالیاتی تاکنون مطالعات مختلفی انجام شده است. برخی از این مطالعات دلایل اجتناب مالیاتی را به عواملی چون قوانین و مقررات مالیاتی، فرهنگ مالیاتی، نرخ‌ها و ضرائب مالیاتی، آگاهی مودیان مالیاتی، اعتماد اجتماعی، شفافیت و اخلاق مالیاتی، سن و جنسیت و امثال‌هم می‌دانند (دانشور و همکاران، ۱۴۰۳، محمودی و همکاران، ۱۴۰۵). هم‌چنین برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تمکین مالیاتی نشان می‌دهند که هنجارهای اجتماعی، هنجارهای روان‌شناختی، ایندولوژی سیاسی مدیران، فرهنگ سازمانی، کارآیی نظام مالیاتی در کشف و مقابله با عدم تمکین مالیاتی را از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر تمکین مالیاتی می‌دانند (حقیقی فشی و همکاران، ۱۳۹۵). در مطالعه دیگر نشان داده شد که فرار مالیاتی با نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، نرخ سود، باز بودن تجاری، اندازه دولت و نرخ ارز رابطه‌ای معنی‌دار دارد (برزگری و همکاران، ۱۴۰۲). آنچه که در تحقیقات گذشته مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است و می‌توان به عنوان یک خلاء تحقیقاتی مدنظر قرار داد، بررسی رفتار مالیاتی (اجتناب مالیاتی و تمکین مالیاتی) مودیان بر اساس نظریه ارزش‌های انسانی از دیدگاه تحقیقات روانشناسی اجتماعی می‌باشد. ارزش‌های انسانی نقش مهمی در تبیین رفتار اقتصادی افراد دارند. این ارزش‌ها برای توضیح مبانی و اساس انگیزشی نگرش و رفتار اشخاص مورد استفاده قرار گرفته‌اند (اواسو^۳، ۲۰۲۲). ارزش‌های انگیزشی از طریق تجربه شخصی افراد شکل گرفته و اهمیت نسبی آنها متأثر از تجربیات زندگی فرد می‌باشد. ارزش‌های انسانی به دو گروه به ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی و ارزش‌های مبتنی بر منافع جمعی طبقه‌بندی می‌شوند. ارزش‌های فردی شامل قدرت، پیشرفت، رفاه طلبی، انگیزش و خودفرمانی است. هم‌چنین، ارزش‌های جمعی شامل عام‌گرایی، خیرخواهی، سنت، هماهنگی و امنیت می‌باشد (اربکس^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

1 Bruns

2 Tuliao

3 Owusu

4 Arbex

۱. مبانی نظری

اجتناب مالیاتی:

اجتناب مالیاتی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که مؤدیان مالیاتی با استفاده از ظرفیت‌ها، خلأها و معافیت‌های قانونی، تلاش می‌کنند میزان مالیات پرداختی خود را کاهش دهند، بدون آنکه به صورت مستقیم قوانین مالیاتی را نقض کنند. در واقع، اجتناب مالیاتی نوعی برنامه‌ریزی مالی و استفاده از راهکارهای قانونی برای کمینه‌سازی بار مالیاتی است که در چارچوب مقررات و قوانین مالیاتی انجام می‌شود. این رفتار، برخلاف فرار مالیاتی، ماهیتی قانونی دارد، اما در صورت گسترش بیش از حد می‌تواند موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت و ایجاد اختلال در تحقق عدالت مالیاتی گردد. اجتناب مالیاتی تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، روان‌شناختی، فرهنگی و ارزشی قرار دارد و یکی از مهم‌ترین ابعاد رفتار مالیاتی مؤدیان به شمار می‌رود (کیلچر^۱ و همکاران، ۲۰۱۹، بناء و همکاران، ۱۴۰۵).

ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی:

ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی به مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها و اولویت‌های انگیزشی اشاره دارد که در آن فرد بیشتر بر دستیابی به منافع شخصی، موفقیت فردی، قدرت، رفاه، استقلال و ارضای خواسته‌های فردی تأکید می‌کند. این ارزش‌ها بخشی از نظام ارزشی انسان را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در هدایت نگرش‌ها، تصمیمات و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی افراد دارند. افرادی که دارای ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی قوی‌تری هستند، معمولاً در تصمیم‌گیری‌های خود منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهند و رفتارهای آنان بیشتر متأثر از دستیابی به موفقیت، رفاه و منافع فردی است. این ارزش‌ها می‌توانند نگرش افراد نسبت به قوانین، مسئولیت‌های اجتماعی و رفتارهای اقتصادی از جمله رفتار مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهند (برونز^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

مادی‌گرایی:

مادی‌گرایی نوعی گرایش ارزشی و نگرشی است که در آن افراد موفقیت، رضایت و خوشبختی خود را بر اساس میزان دارایی‌ها، ثروت و مالکیت مادی ارزیابی می‌کنند. افراد مادی‌گرا معمولاً دستیابی به پول، کالاها و امکانات مادی را از مهم‌ترین اهداف زندگی خود می‌دانند و ارزش زیادی برای مالکیت دارایی‌های مادی قائل هستند. در این نگرش، رفاه و موفقیت فرد بیشتر از طریق معیارهای اقتصادی و مادی سنجیده می‌شود و تمایل به مصرف‌گرایی، کسب ثروت و ارتقای موقعیت اقتصادی افزایش می‌یابد. مادی‌گرایی می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای اقتصادی افراد، از جمله نحوه مواجهه با قوانین مالیاتی، تمایل به کسب منافع مالی و تصمیمات مالی اثرگذار باشد (چن^۳ و همکاران، ۲۰۱۸).

اعتماد به نفس:

اعتماد به نفس یکی از ویژگی‌های مهم روان‌شناختی است که به میزان باور و اطمینان فرد نسبت به توانایی‌ها، قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود اشاره دارد. افرادی که دارای اعتماد به نفس

1 Kirchner

2 Bruns

3 Chen

بالا‌تری هستند، معمولاً توانایی بیشتری در تصمیم‌گیری، حل مسائل، پذیرش مسئولیت‌ها و مواجهه با چالش‌های زندگی دارند و نسبت به موفقیت در انجام امور مختلف احساس اطمینان بیشتری می‌کنند. اعتماد به نفس می‌تواند بر نگرش‌ها، رفتارها و واکنش‌های فرد در موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی اثرگذار باشد و نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای فردی، انگیزه‌ها و نحوه تعامل افراد با محیط اجتماعی ایفا نماید. این ویژگی روان‌شناختی می‌تواند بر تصمیمات اقتصادی و رفتارهای مالی افراد نیز تأثیرگذار باشد (ما^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

اکبری و همکاران (۱۴۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی طراحی الگوی کاهش فرار مالیاتی پرداختند. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی داده‌بنیاد، به طراحی الگوی کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند اقدام شد. بر این اساس، با انجام مصاحبه با چهارده نفر از اساتید و خبرگان نظام مالیاتی کشور با تجربه ۱۵ سال سابقه کاری و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری، تعداد ۱۰ مقوله اصلی براساس مدل پارادایمی شناسایی شده که در قالب شش بعد ساختاردهی شده است: سیاست‌گذاری مناسب مالیاتی و هوشمندسازی مالیاتی به عنوان «شرایط علی»، فرهنگ مالیاتی به عنوان «شرایط مداخله گر»، سهم بالای اقتصاد زیرزمینی به عنوان «شرایط زمینه‌ای»، کاهش هزینه وصول، عدالت مالیاتی و تمکین مالیاتی به عنوان «بعد تعاملی»، کاهش فرار مالیاتی به عنوان «پدیده محوری» و افزایش درآمد مالیاتی و توسعه اقتصادی به عنوان «بعد پیامدی». همچنین بیشترین فراوانی مربوط به متغیرهای سیاست‌گذاری مناسب مالیاتی، هوشمندسازی مالیاتی و فرهنگ مالیاتی بود که نشان از اهمیت بیشتر این متغیرها در مدل تحقیق دارد. با توجه به الگوی حاصل از پژوهش مشخص شد که عوامل کلان و ساختاری تأثیر بسزایی بر کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند دارند.

بخشی و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای به بررسی آزمون نظریه رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی در پیش‌بینی روحیه و رفتار مودیان مالیاتی با تأکید بر تیپ‌های شخصیتی پرداختند. این پژوهش به بررسی نقش نظریه رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی در پیش‌بینی روحیه و رفتار مودیان مالیاتی پرداخت. این پژوهش از منظر ماهیت و روش جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی و از منظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه بود: ۱) خبرگان حوزه مالیات برای شناسایی عوامل کلیدی با استفاده از روش دلفی ۲) مودیان مالیاتی شهر رشت برای گردآوری داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از طریق پرسشنامه. روش تحقیق از نوع آمیخته اکتشافی بود که در آن ابتدا با رویکرد کیفی و استفاده از روش دلفی، عوامل کلیدی شناسایی شدند. سپس در بخش کمی، داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد جمع‌آوری و با رویکرد ترکیبی معادلات ساختاری-شبکه عصبی مصنوعی^۲ تحلیل شدند. بر اساس خروجی مدل معادلات ساختاری، روحیه مالیاتی تأثیر مستقیم، قوی و معنی‌داری بر قصد فرار مالیاتی دارد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی افراد نقش مهمی در شکل‌گیری روحیه مالیاتی آنها دارد. عواملی همچون برون‌گرایی، تجربه‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی، رابطه بین نگرش مالیاتی و کنترل رفتار

1 Ma

2 SEM-ANN

ادراکی مالیاتی با روحیه مالیاتی را تقویت می کنند. به عبارت دیگر، افرادی که از این ویژگی های شخصیتی برخوردارند، احتمال بیشتری دارد که نگرش مثبت تری نسبت به مالیات داشته باشند، احساس کنترل رفتار بیشتری در زمینه پرداخت مالیات داشته باشند و در نتیجه، روحیه مالیاتی بالاتری نیز خواهند داشت. از طرف دیگر، ویژگی های شخصیتی مانند خودپیشانی (روان رنجوری)، رابطه بین نگرش مالیاتی و کنترل رفتار ادراکی مالیاتی با روحیه مالیاتی را تضعیف می کنند.

تولیاو^۱ (۲۰۲۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی های شخصیتی و ارزش های فردی بر اخلاق مالیاتی در میان افراد خوداشتغال پرداخت و نقش تعدیل گر بستر نهادی را مورد بررسی قرار داد. هدف اصلی این تحقیق، تبیین چگونگی اثرگذاری ویژگی های روان شناختی و ارزشی افراد بر نگرش آنان نسبت به رعایت قوانین مالیاتی و میزان تمایل به تمکین مالیاتی بوده است. این پژوهش در بستر کشورهای مختلف و با تأکید بر تفاوت های نهادی و فرهنگی انجام شد. روش تحقیق از نوع کمی و مبتنی بر تحلیل داده های پیمایشی بود. داده های مورد نیاز از طریق پرسشنامه استاندارد جمع آوری شد و برای آزمون فرضیه ها از مدل های آماری چندمتغیره و تحلیل های تعاملی استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل افراد خوداشتغال فعال در حوزه های مختلف اقتصادی بود و نمونه آماری با استفاده از روش نمونه گیری هفتمند انتخاب شد. نتایج تحقیق نشان داد ویژگی های شخصیتی و ارزش های فردی نقش معناداری در شکل گیری اخلاق مالیاتی افراد دارند. همچنین یافته ها بیانگر آن بود که کیفیت نهادهای حاکمیتی و سطح اعتماد به نظام قانونی می تواند شدت این رابطه را تعدیل کند؛ به گونه ای که در محیط هایی با کیفیت نهادی بالاتر، افراد دارای ارزش های اخلاقی و اجتماعی، تمایل بیشتری به رعایت قوانین مالیاتی و اجتناب کمتر از مالیات نشان می دهند. این پژوهش تأکید می کند که رفتار مالیاتی افراد صرفاً تابع عوامل اقتصادی نیست، بلکه متغیرهای شخصیتی، ارزشی و نهادی نیز در شکل گیری آن نقش اساسی دارند.

لوکوفسکی^۲ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی به بررسی ابعاد شخصیتی مؤثر بر تمکین مالیاتی پرداختند. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی ویژگی های شخصیتی تأثیرگذار بر رفتار مالیاتی افراد و تبیین این موضوع بود که چرا برخی افراد تمایل بیشتری به رعایت قوانین مالیاتی دارند. این پژوهش در کشور مجارستان انجام شد و چارچوب نظری آن بر مبنای نظریه معمای اجتماعی و مدل شیب لغزنده تمکین مالیاتی استوار بود. روش تحقیق از نوع کمی و مبتنی بر پیمایش بود. داده های مورد نیاز از طریق پرسشنامه استاندارد گردآوری شد و برای تحلیل داده ها از تحلیل عاملی تأییدی، رگرسیون خطی و تحلیل سلطه استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش شامل مؤدیان و افراد فعال اقتصادی بود و ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. در این تحقیق ویژگی های شخصیتی مختلف از جمله پنج عامل بزرگ شخصیت، صداقت-فروتنی، موافق بودن و ماکیاولیسم مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد ویژگی های شخصیتی نقش مهمی در رفتار مالیاتی افراد دارند و متغیرهای صداقت-فروتنی، ماکیاولیسم و موافق بودن بیشترین تأثیر را بر تمکین مالیاتی دارند. یافته ها

1 Tuliao

2 Lukovszki

همچنین بیانگر آن بود که افرادی با سطح بالاتر صداقت و گرایش‌های اجتماعی، تمایل بیشتری به رعایت قوانین مالیاتی و همکاری با نظام مالیاتی دارند؛ در حالی که افراد دارای ویژگی‌های ماکیاولیستی، بیشتر در معرض رفتارهای غیرتمکینی و اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرند. این پژوهش تأکید می‌کند که رفتار مالیاتی افراد علاوه بر عوامل اقتصادی، به ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد روان‌شناختی آنان نیز وابسته است.

۲. روش مورد بررسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی و از نظر روش جمع‌آوری داده، پیمایشی است. در جدول ۱ متغیرهای اصلی پژوهش و نحوه ارتباط آن‌ها نشان داده شده اند.

جدول ۱: متغیرهای اصلی پژوهش و نحوه ارتباط آن‌ها

ردیف	متغیر	تعریف مفهومی	نقش در پژوهش	نوع اثر بر رفتار مالیاتی
۱	ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی	مجموعه باورها و اولویت‌هایی که در آن فرد، منافع شخصی، سود فردی و موفقیت شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهد	متغیر مستقل	اثر مستقیم و معنادار
۲	رفتار مالیاتی مؤدیان	الگوی عملکرد مؤدی در قبال تکالیف مالیاتی شامل صداقت در اظهار، پرداخت به‌موقع و رعایت قوانین مالیاتی	متغیر وابسته	متغیر پیامد
۳	مادی‌گرایی	میزان گرایش فرد به ثروت، مالکیت و دارایی‌های مادی به‌عنوان معیار موفقیت و رضایت	متغیر میانجی	تقویت‌کننده اثر منفی ارزش‌های فردگرایانه
۴	اعتماد به نفس	احساس توانمندی فرد نسبت به تصمیم‌گیری، کنترل موقعیت‌ها و ارزیابی خود از قابلیت‌های شخصی	متغیر میانجی	اثر غیرمستقیم بر رفتار مالیاتی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ ساختار مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد. در این پژوهش، ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی به‌عنوان عامل اصلی در نظر گرفته شده‌اند؛ زیرا این ارزش‌ها می‌توانند نوع نگرش فرد را نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی، از جمله پرداخت مالیات، شکل دهند. هرچه

فرد بیشتر بر سود شخصی و منافع فردی تأکید داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که مالیات را نه یک وظیفه اجتماعی، بلکه یک هزینه تحمیلی تلقی کند. در ادامه، رفتار مالیاتی مؤدیان به عنوان متغیر وابسته معرفی شده است. این رفتار می تواند از تمکین کامل و داوطلبانه تا پنهان کاری و فرار مالیاتی متغیر باشد. پژوهش حاضر فرض می کند که رفتار مالیاتی صرفاً نتیجه فشارهای قانونی نیست، بلکه ریشه در نظام ارزشی و شخصیتی افراد دارد.

دو متغیر مادی گرایی و اعتماد به نفس نیز به عنوان متغیرهای میانجی در مدل قرار گرفته اند. مادی گرایی می تواند موجب شود فرد برای حفظ یا افزایش منافع مادی خود، پرداخت مالیات را نوعی کاهش دارایی تلقی کند و در نتیجه به سمت رفتارهای مالیاتی نامطلوب گرایش پیدا کند. از سوی دیگر، اعتماد به نفس ممکن است در برخی افراد باعث افزایش جرأت در دور زدن قوانین و در برخی دیگر موجب پایبندی آگاهانه تر به قانون شود؛ اما در چارچوب این پژوهش، بیشتر به نقش آن در تقویت جسارت تصمیم گیری های مالی فردی توجه شده است.

۳. یافته های تحقیق

۳-۱- آزمون فرضیه ها

جهت بررسی روابط ساختاری میان متغیرها، مدل ساختاری پژوهش اجرا گردید. ضرایب مسیر (β) و آماره های t حاصل از برآورد مدل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب مسیر و آماره های t در مدل ساختاری

فرضیه	مسیر	ضریب (β مسیر)	آماره t	معناداری	نتیجه
H1	ارزش های فردی ← مادی گرایی	۰/۴۲	۸/۱۴	$p < 0/001$	تأیید
H2	مادی گرایی ← رفتار مالیاتی	-۰/۲۴	۵/۰۲	$p < 0/001$	تأیید
H3	ارزش های فردی ← اعتماد به نفس	۰/۳۶	۶/۸۹	$p < 0/001$	تأیید
H4	اعتماد به نفس ← رفتار مالیاتی	-۰/۱۷	۳/۵۴	$p < 0/001$	تأیید
H5	ارزش های فردی ← رفتار مالیاتی (مستقیم)	-۰/۳۱	۶/۲۱	$p < 0/001$	تأیید

منبع: یافته های پژوهش

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، تمامی آماره های t فراتر از مقدار بحرانی ۹۶/۱ بوده و کلیه مسیرهای مستقیم در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($p < 0/001$) معنادار می باشند. مقدار ضریب مسیر مستقیم ارزش های فردی بر رفتار مالیاتی برابر با ۳۱/۰- برآورد شده که نشان دهنده اثر معکوس منافع فردی بر تمکین مالیاتی است.

۳-۲-آزمون نهایی فرضیه‌های پژوهش (اثرات کلی و میانجی)

پس از تأیید معناداری مسیرهای ساختاری، نتایج آزمون کلیه فرضیه‌های پژوهش شامل اثرات مستقیم و نقش میانجی در جدول ۳ خلاصه شده است

جدول ۳: نتایج تحلیلی روابط بین متغیرهای پژوهش

ردیف	فرضیه پژوهش	ضریب مسیر / همبستگی	سطح معناداری	نتیجه
۱	ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی بر رفتار مالیاتی مؤدیان تأثیر دارد	۰/۴۱	$p < 0/001$	تأیید
۲	ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی بر مادی‌گرایی تأثیر دارد	۰/۴۸	$p < 0/001$	تأیید
۳	مادی‌گرایی بر رفتار مالیاتی مؤدیان تأثیر دارد	۰/۳۶	$p < 0/001$	تأیید
۴	ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی بر اعتماد به نفس تأثیر دارد	۰/۲۹	$p < 0/001$	تأیید
۵	اعتماد به نفس بر رفتار مالیاتی مؤدیان تأثیر دارد	۰/۲۲	$p < 0/001$	تأیید
۶	مادی‌گرایی و اعتماد به نفس در رابطه بین ارزش‌های فردی و رفتار مالیاتی نقش میانجی دارند	۰/۳۱	$p < 0/001$	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۳ نتایج تحلیلی آزمون فرضیه‌های پژوهش را نمایش می‌دهد. مطابق این یافته‌ها، ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی با ضریب ۴۱/۰ تأثیر معناداری بر رفتار مالیاتی مؤدیان دارند ($p < 0/001$). این نتیجه نشان می‌دهد که هرچه مؤدی بیشتر تحت تأثیر ارزش‌های فردمحور و منفعت‌طلبانه باشد، احتمال بروز رفتارهای مالیاتی ناسازگار در او بیشتر خواهد شد؛ این ناسازگاری می‌تواند شامل کم‌اظهاری درآمد، تأخیر در پرداخت مالیات، یا تلاش برای کاهش مسئولیت مالیاتی از روش‌های غیرشفاف باشد.

همچنین، ضریب ۴۸/۰ در رابطه بین ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی و مادی‌گرایی بیانگر آن است که این ارزش‌ها به‌طور قابل توجهی زمینه رشد نگرش‌های مادی‌گرایانه را فراهم می‌کنند. به بیان دیگر، افراد منفعت‌محور اهمیت بیشتری برای دارایی، ثروت و رفاه مادی قائل هستند. به علاوه، مادی‌گرایی نیز با ضریب ۳۶/۰ بر رفتار مالیاتی اثر می‌گذارد؛ بدین معنا که افراد مادی‌گرا مالیات را مانعی برای انباشت ثروت خود دانسته و تمایل کمتری به رعایت کامل قوانین مالیاتی نشان می‌دهند.

در خصوص اعتماد به نفس نیز نتایج نشان می‌دهد که ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی با ضریب ۲۹/۰ بر آن اثرگذار بوده و اعتماد به نفس نیز به نوبه خود با ضریب ۲۲/۰ بر رفتار مالیاتی تأثیر دارد ($p < 0/001$). این موضوع می‌تواند بیانگر آن باشد که برخی مؤدیان با

اتکای بیش از حد به توانایی‌ها و قضاوت شخصی خود، در تصمیم‌گیری‌های مالیاتی بیشتر به ارزیابی فردی تکیه می‌کنند تا الزامات قانونی یا اخلاقی. در نهایت، نقش میانجی مادی‌گرایی و اعتماد به نفس با ضریب ۳۱/۰ مورد تأیید قرار گرفت؛ یعنی این دو متغیر، رابطه میان ارزش‌های فردگرایانه و رفتار مالیاتی را توضیح داده و انتقال می‌دهند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که ارزش‌های مبتنی بر منافع فردی، هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق دو میانجی مادی‌گرایی و اعتماد به نفس، بر رفتار مالیاتی مؤدیان تأثیر منفی و معناداری دارد. به بیان دیگر، مؤدیانی که موفقیت شخصی، قدرت و لذت‌گرایی را بر تعهد اجتماعی مقدم می‌شمارند، کمتر به پرداخت داوطلبانه مالیات رغبت نشان می‌دهند.

مادی‌گرایی قوی‌ترین میانجی این رابطه بود. مادی‌گرایان، مالیات را مانعی بر سر راه انباشت دارایی و مصرف می‌دانند و به همین دلیل، فرار مالیاتی برایشان توجیه‌پذیرتر است. این یافته با پژوهش‌های پیشین در باب ارتباط مادی‌گرایی با کاهش رفتارهای شهروندی و افزایش رفتارهای فرصت‌طلبانه همخوانی دارد.

نقش اعتماد به نفس نیز معنادار اما ضعیف‌تر بود. در بستر ارزش‌های فردگرایانه، اعتماد به نفس بالا به شکل سوگیری خودخدمت‌معمول می‌کند؛ فرد به توانایی خود در مخفی نگه‌داشتن تخلف و فریب سامانه مالیاتی بیش از حد اطمینان دارد و ریسک کشف را دست‌کم می‌گیرد.

پیشنهادهای کاربردی

بر مبنای یافته‌های به‌دست‌آمده، راهکارهای سیاستی و اجرایی زیر پیشنهاد می‌شود:

- **تقویت ارزش‌های جمعی و شهروندی:** طراحی کمپین‌های رسانه‌ای و فرهنگی که مالیات را به‌عنوان «سرمایه‌گذاری اجتماعی» و بازتوزیع ثروت، و نه «هزینه تحمیلی»، بازنمایی کند.
- **اصلاح درک ریسک:** اطلاع‌رسانی شفاف درباره نرخ واقعی کشف تخلفات و پیامدهای حقوقی و اجرایی آن، جهت تعدیل خوش‌بینی بیش از حد مؤدیان دارای اعتماد به نفس کاذب.
- **شفاف‌سازی و تسهیل فرآیند پرداخت:** کاهش پیچیدگی‌های اداری و توسعه خدمات الکترونیک مالیاتی برای به حداقل رساندن اصطکاک و موانع ادراک‌شده پرداخت.
- **مدیریت فرهنگ مصرف‌گرایی:** بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای فرهنگی و آموزشی جهت مهار موج مادی‌گرایی مفرط و پیوند زدن منزلت اجتماعی با مسئولیت‌پذیری مدنی.
- **تفکیک و هدف‌گذاری مؤدیان:** تفکیک و طبقه‌بندی هوشمند مؤدیان بر اساس شاخص‌های رفتاری جهت اجرای برنامه‌های نظارتی، حسابرسی و آموزشی هدفمندتر.

منابع

۱. اکبری نرجس ، محقق عارفه ، زیاری رضا ، قدس سمانه. (۱۴۰۵). طراحی الگوی کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند؛ دانش سرمایه گذاری ؛ شماره ۶۰ صص ۳۶۹-۳۹۳
۲. بخشی، سحر و ذوالفقاری، مهدی و آزادی هیر، کیهان. (۱۴۰۴). آزمون نظریه رفتار برنامه ریزی شده مالیاتی در پیش بینی روحیه و رفتار مودیان مالیاتی با تاکید بر تیپ های شخصیتی، دانش حسابرسی، ۸(۴)، ۲۸-۳۶.
۳. برزگری محمد؛ هراتی اشکان؛ بهبودی رویا؛ حاج محمدی فرشته؛ بابایی نسیم (۱۴۰۲) حجم اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی در ایران: تحلیلی در چهارچوب روش تعادل عمومی پویا (DGE)، تابع تقاضای پول (CDA) و شاخص چندگانه-علل چندگانه؛ پژوهشنامه مالیات ؛ ویژه نامه همایش سیاست های مالیاتی ایران ، صص ۱۰۳-۱۲۷
۴. بناء محمدرضا، پورحیدری امید، خدای پور احمد. تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها با رویکرد فراترکیب و معادلات ساختاری. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۴۰۵؛ ۱۵ (۵۶): ۳۳۹-۳۱۳-<http://mieaoi.ir/article-339-313>-۱-۲۰۶۸-fa.html
۵. حقیقی فشی، شیرین ، بنی مهد، بهمن ، اوحدی، فریدون و همتی، بهرام . (۱۳۹۹). بررسی تاثیر ابعاد هنجارهای اجتماعی و شخصی بر تمکین مالیاتی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۳)، ۴۰-۶۰.
۶. دانشور ، مریم ، رضوی حاجی آقا ، سید حسین ، علش لنگرانی مینا (۱۴۰۱) شناسایی و مدل سازی عوامل موثر بر رفتارهای مالیاتی ، پژوهشنامه مالیات ، شماره ۵۶ صص ۱۲۵ الی ۱۴۸
۷. محمودی پوریا، انواری امیرحسین، چهرقانی احمد. بررسی تأثیر سیاست‌های مالیاتی بر سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای در حال توسعه: رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM). نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۴۰۵؛ ۱۵ (۵۶): ۳۶۲-۳۴۱-<http://mieaoi.ir/article-362-341>-۱-۱۹۳۷-fa.html
8. Arbex, M., Carré, J. M., Geniole, S., & Mattos, E. (2023). Is tax evasion macho? Testosterone, personality traits and evasion. *Economic and Political Studies*, 11(3), 295–315. <https://doi.org/10.1080/20954816.2022.2110215>
9. Bruns, C., Fochmann, M., Mohr, P. N. C., & Torgler, B. (2020). Tax evasion, audit probability, and behavioral responses. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 173, 1–15.

10. Chen, Yu., Fu, R., Tang, Y., & Zhao, X. (2025). CEOs' pre-career exposure to religion and corporate tax avoidance. *Journal of Management Studies*, 62(2), 748–774.
11. Kirchler, Erich, Erik Hoelzl, and Ingrid Wahl. (2019). Enforced versus voluntary tax compliance: The “slippery slope framework”. *Journal of Economic Psychology*, 29(2), 210–225. <https://doi.org/10.1016/j.joep.2007.05.004>
12. Lukovszki, Lívia., Sipos, N., Rideg, A., & Vörös, Z. (2025). Personality aspects of tax compliance. *European Journal of Law and Economics*, 59, 457–490. <https://doi.org/10.1007/s10657-025-09841-3>
13. Ma, Yong, Hao Jiang, and Weilin Xiao. (2020). Tax evasion, audits with memory, and portfolio choice. *International Review of Economics & Finance*, 71, 896–909. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2020.10.010>
14. Owusu, Godfred Matthew Yaw, Bart-Plange, M. A., Koomson, T. A. A., & Arthur, M. (2022). Determinants of tax compliance behaviour and tax evasion intentions: Evidence from personality traits and social norms. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 101, 101872.
15. Tuliao, K. V. (2026). Individual personality, values, and tax morale among the self-employed: The moderating role of institutional context. *Business Ethics, the Environment & Responsibility*. <https://doi.org/10.1111/beer.70063>